

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویکتور میخین
برگردان: م. قربانی
۲۸ اپریل ۲۰۲۴

خاورمیانه: پاسخ نظامی ایران پایان یافت؛

پس از آن، چه پیش خواهد آمد؟



در جهان ما کمتر خصومتی بشدت و خطرناکی رقابت بین اسرائیل و ایران است. افزایش تنش بین این دو نیروی منطقه‌ای – آن‌طور که شاهد حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق و تلافی ایران با حملات پهبادی و راکتی به اسرائیل مشاهده شد - نگرانی‌های جدی جهانی را برانگیخته است. بسیاری در سراسر جهان به بیانیه ایران اشاره کردند و اقدام نظامی ایران را پاسخ به تجاوز اسرائیل به تسهیلات دیپلماتیک این کشور دانستند و این‌که «اکنون این موضوع را می‌توان حل‌وفصل شده دانست.» اعتقاد بر اینست که اگر شعله‌های جنگ در غزه اجازه شعلهور شدن پیدا کند، اثرات منفی آن گسترش خواهد یافت و منطقه بیش از پیش بی‌ثبات خواهد شد. کشورها و مردم غرب آسیا خواهان درگیری یا جنگ بزرگ نیستند.

اما هر روز که می‌گذرد، شبح درگیری مستقیم افزایش می‌یابد و سایه‌ای از عدم اطمینان بر کل منطقه می‌افکند. در این فضای ناپایدار و غیر قابل پیش‌بینی، خطر محاسبات نادرست و تشدید ناخواسته درگیری افزایش می‌یابد و احتمال درگیری‌ها و بحران‌های بیش‌تر با واکنش‌های جهانی را افزایش می‌دهد، در این‌صورت تنها قدرت‌های غربی در آن مجبور به مداخله نخواهند شد. اگر این شبکه باروت به جنگ علنی منجر بشود، اثرات آن از مرزهای دو کشور بسیار فراتر خواهد رفت، و به طور بالقوه زنجیره‌ای از حوادث و پی‌آمدهای ناخواسته یا عواقب فاجعه‌بار رقم خواهد خورد.

یک جنگ مستقیم بین ایران و اسرائیل این پتانسیل را دارد که چشم‌انداز ژئوپلیتیک جهانی را به گونه‌ای تغییر دهد که پیش‌بینی آن دشوار است و پی‌آمدهای منفی گسترده‌ای برای صلح و ثبات جهانی خواهد داشت.

اولین و شاید عاجل‌ترین پی‌آمد درگیری مستقیم میان ایران و اسرائیل بی‌ثباتی بیش‌تر در غرب آسیایی است که هم‌اکنون بی‌ثبات است. هر دو کشور نفوذ قابل توجهی بر کشورهای همسایه و بازیگران غیر دولتی دارند که ممکن است به سرعت وارد یک جنگ شوند. درگیری‌های غیرمستقیم، شورش‌ها و بحران پناهنجویان، احتمالاً تشدید می‌شوند و تنش‌های موجود را افزایش می‌دهند و ویرانی، سراسر منطقه را از بین می‌برد. تعادل شکننده قدرت در خاورمیانه می‌تواند به هم بخورد و دری را به سوی دور جدیدی از عدم اطمینان و خشونت باز کند.

مهم‌تر از همه، اگر شعله‌های جنگ گسترش یابد، ناگزیر غیرنظامیان بی‌گناه بیش‌ترین رنج را متحمل می‌شوند. جنگ بین ایران و اسرائیل با قابلیت‌های نظامی پیشرفته و مراکز شهری پرجمعیت، بی‌شک ویرانی و تلفات گسترده را به دنبال خواهد داشت. تلفات انسانی با میلیون‌ها نفر از مردمی که در زد و خوردهای نظامی مجروح یا کشته می‌شوند، حیرت‌آور خواهد بود. سازمان‌های حقوق بشری احتمالاً برای مقابله با تعداد پناهندگان و تقاضای عظیم برای کمک آن‌ها، وضعیت بدی را که هم‌اکنون با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، وخیم‌تر خواهد کرد.

ایران همچنین گزینه حمله به تسهیلات دیپلماتیک اسرائیل در کشور ثالث، مثلاً در آفریقا، امریکای جنوبی یا آسیا را دارد. اما ضربه زدن به اهداف دیپلماتیک با راکت‌ها و پهبادهای ایرانی، یا استفاده از نیروهای نیابتی در یک عملیات مخفیانه می‌تواند به عنوان یک پاسخ نظامی بسیار ضعیف تلقی بشود و برای بازدارندگی اسرائیل از ادامه حمله به اهداف نظامی ایران در سوریه و فراتر از آن کافی نیست. پس از عملیات اسرائیل در دمشق، تندروها در تهران خواستار انتقام‌گیری شدند و این خطر وجود داشت که رهبری ایران فشار داخلی را در تصمیم خود برای تلافی در نظر نگیرد. گزینه دیگر این بود که ایران ارتش اسرائیل را از طریق نیروهای نیابتی و شرکای خود تعقیب کند. ایران می‌توانست تعداد نیروهای نیابتی را افزایش دهد و یا از سلاح‌های مدرن‌تر استفاده کند. این گزینه جذابیت کم‌تری داشت، زیرا ایران نیاز داشت که بتواند مسؤلیت حمله را به عهده بگیرد.

مسئله کلیدی دیگر موضوع اشاعه هسته‌ای است. برنامه هسته‌ای ایران مدت‌هاست که منبع نگرانی غرب بوده است، زیرا می‌تواند که این برنامه بتواند یک مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای را آغاز کند یا منجر به گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای بازیگران غیردولتی شود. درگیری مستقیم با اسرائیل (که در حال حاضر دارای چنین تسلیحاتی است) و نگرانی‌های چندانی برای غرب ندارد، می‌تواند ایران را تشویق کند تا آمل و اراده هسته‌ای خود را افزایش دهد، و خطر مسابقه تسلیحات هسته‌ای در غرب آسیا را بالا ببرد. این به نوبه خود تلاش‌های روسیه و چین را در حوزه عدم اشاعه (سلاح‌های) هسته‌ای تضعیف می‌کند و احتمال وقوع جنگ هسته‌ای یا افزایش حادثه با پی‌آمدهای فاجعه‌بار برای کل سیاره را افزایش می‌دهد.

علاوه بر تاکتیک‌های نظامی متعارف، درگیری بین اسرائیل و ایران احتمالاً منجر به تشدید قابل توجه جنگ سایبری خواهد شد. هر دو کشور دارای قابلیت‌های سایبری پیچیده‌ای هستند و در گذشته برای استفاده از آن تمایل نشان داده‌اند. چنین جنگی بین این دو دشمن می‌تواند به زیرساخت‌های اطلاعاتی مهم ضربه بزند، شبکه‌های ارتباطی را مختل کند و بازارهای مالی را ویران سازد. پی‌آمدهای این حملات می‌تواند بسیار گسترده باشد و اعتماد به سیستم‌های دیجیتال را تضعیف کند و باعث وحشت و بی‌ثباتی گسترده در منطقه و جهان شود. یک جنگ مستقیم بین اسرائیل و ایران زمینه را برای سوءاستفاده گروه‌های تروریستی و وخیم‌تر شدن خطر تروریسم جهانی فراهم می‌کند. گروه‌های رادیکال همساز با هر دو طرف می‌توانند از هرجومرج و بی‌ثباتی برای حمله به دشمنان خود یا پیشبرد برنامه‌های خود سوءاستفاده کنند.

تکثیر سلاح‌ها، فروپاشی نیروهای امنیتی و جابه‌جائی جمعیت، بستر مناسبی برای افراطگرایی ایجاد می‌کند و تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و جهان است.

جنبه‌های محیط زیستی جنگ را نباید نادیده گرفت. جنگ مستقیم اسرائیل و ایران نه تنها جمعیت و زیرساخت‌های عظیمی را از بین می‌برد، بلکه صدمات جدی زیست‌محیطی را نیز به همراه خواهد داشت. غرب آسیا منطقه‌ای با اکوسیستم‌های شکننده و آبراه‌های حیاتی است که می‌تواند با استفاده گسترده از نیروی نظامی و تخریب زیرساخت‌های حیاتی تهدید شود. از دست دادن منابع حیاتی و تخریب اکوسیستم، مشکلات زیست‌محیطی موجود از جمله تغییرات آب و هوایی کمبود آب را تشدید خواهد کرد که بر رنج نسل‌های آینده خواهد افزود.

در عین حال، پی‌آمدهای اقتصادی جنگ مستقیم بین اسرائیل و ایران نه تنها در غرب آسیا، بلکه در سراسر جهان احساس خواهد شد. هر دو کشور با شبکه‌های تجاری گسترده و منابع ستراتیژیک در اقتصاد جهانی بازیگران مهمی هستند. به ویژه، هر گونه اختلال در عرضه نفت از خلیج فارس منجر به افزایش قیمت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادهای متکی به واردات انرژی خواهد شد. احتمالاً تأثیرات ثانوی آن در برخی بخش‌ها، از امور مالی گرفته تا کشاورزی احساس می‌شود که اقتصادهای شکننده جنوب جهانی را به سمت رکود سوق می‌دهند و ناآرامی‌های اجتماعی را تشدید می‌کنند.

در نهایت، یک درگیری مستقیم و تمام عیار بین اسرائیل و ایران تأثیر عمیقی بر روابط دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی خواهد داشت. کشورها مجبور به جانبداری خواهند شد و جامعه جهانی را دو قطبی‌تر و تلاش‌ها برای حل مناقشات از طریق دیپلماسی و مذاکره را تضعیف می‌کند. شکست کانال‌های دیپلماتیک می‌تواند منجر به افزایش انزوای اسرائیل و ملی‌گرایی شود و یافتن راه‌های حل صلح‌آمیز برای مشکلات بی‌شمار پیش روی جهان امروز را دشوارتر می‌کند.

صرف‌نظر از این که تلافی نظامی ایران موجب تشدید تنش‌های منطقه‌ای گسترده‌تر می‌شود، هدف تهران روشن است: جلوگیری از هر گونه حمله آینده اسرائیل بدون برانگیختن جنگی تمام عیار بین ایران و ایالات متحده. به همین دلیل، نیاز به سنجش دقیق پاسخ ارتش ایران به حمله اسرائیل در سوریه، بسیار دشوار بود. در نهایت، قبل از هر تصمیمی، اولویت (رهبر انقلاب ایران) علی‌خامنه‌ای تضمین بقای جمهوری اسلامی (ایران) به جای درگیری نظامی مستقیم با اسرائیل، و به طور گسترده‌تر، با نیروهای امریکائی در منطقه بود.

در هر صورت تشدید تنش‌ها بین اسرائیل و ایران تهدیدی جدی برای ثبات منطقه و جهان است. پی‌آمدهای جنگ مستقیم بین دو کشور، شدید و گسترده خواهد بود و نیز پتانسیل ایجاد زنجیره‌ای از رویدادهای منفی را دارد که می‌تواند چشم‌انداز ژئوپلیتیکی را برای سال‌های آینده تغییر دهد و احتمالاً جهان تک‌قطبی کنونی را به گور بسپارد.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۱۷ اپریل ۲۰۲۴